



بودیم، امریکا به دنبال این بود که پیمان استراتژیک را با دولت افغانستان امضا کند. کشورهای همسایه افغانستان از جمله ایران مخالف این پیمان بودند؛ زیرا به هر میزانی که حضور امریکا در افغانستان بیشتر می‌شد و مخصوصاً در حوزه نظامی و امنیتی ارتباطاتش با افغانستان گسترده‌تر می‌شد، به طور طبیعی خطراتی برای کشورهای پیرامونی افغانستان اعم از همسایگان دور و همسایگان نزدیک این کشور ایجاد می‌شد. از سوی دیگر، امریکا هم تلاش می‌کرد که به نحوی دولت آقای کرزای را متقاعد کند تا این پیمان را امضا کنند. در این رابطه، کشورهای همسایه حرکت می‌کردند افغانستان در مسیر اهداف امریکا حرکت نکنند. یکی از این کشورها نروژ بود. من وقتی به ستاد افغانستان آمدم تقریباً با یک فاصله چند ماهه در مرداد ۱۳۹۰ بود که نروژ می‌خواست جلسه‌ای را در دوبئی برگزار کند. در آن زمان نروژ از وزارت خارجه ایران دعوت کرد که یک نفر در این جلسه شرکت کند که قرار شد من شرکت کنم. اگرچه هدف نروژ طبق اعلامی که شده بود مذاکره با کشورهای همسایه و کشورهای مرتبط با افغانستان بود تا زمینه‌های یافتن راه‌هایی جهت استقرار صلح در این کشور بررسی شود ولی هدف پنهان این بود که به نحوی در این جلسه سعی کند که دیدگاه‌های کشورهای را نسبت به حضور بیشتر نظامی امریکا در افغانستان و همچنین امضای پیمان راهبردی با این کشور فراهم کند. من برای شرکت در اجلاس به دوبئی رفتم. در آن زمان مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه نروژ مسائل افغانستان را دنبال می‌کرد، من از دوبئی به همراه یکی از کارشناسان ستاد افغانستان حدود نیمه شب به وی رسیدیم و صبح در حال صبحانه مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه نروژ در میز صبحانه با من خوش و بش کرد و گفت این جلسه، جلسه مهمی است. معاون نماینده ویژه امریکا در امور افغانستان هم در آن جلسه آمده است، من اعتنایی نکردم. نماینده نروژ معتقد بود اگر ما با نماینده ویژه امریکا مذاکره‌ای داشته باشیم بد نیست اما من گفتم دستوری در این رابطه ندارم و جزو دستور کار حضور من در دوبئی نیست. او در طول این دو روزی که ما در آنجا بودیم تلاش زیادی می‌کرد که این مسأله محقق بشود. در جلسات هم کشورهای متعددی بودند و نماینده‌های آنها در آنجا بودند و در رابطه با استقرار صلح مسائلی را مطرح می‌کردند. ما هم در آن جلسه؛ یکی از موانع اصلی استقرار صلح را حضور کشورهای خارجی، نیروهای نظامی ناتو و امریکا مطرح می‌کردیم. می‌گفتیم تا وقتی اینها در افغانستان هستند، افغانستان

▼
هدف پنهان این بود که به نحوی در این جلسه سعی کند که دیدگاه‌های کشورهای را نسبت به حضور بیشتر نظامی امریکا در افغانستان و همچنین امضای پیمان راهبردی با این کشور زمینه‌اش فراهم شود. من برای شرکت در اجلاس به دبی رفتم

امن نخواهد شد. یکی از شروط اصلی طالبان این بود که تا زمانی که نیروهای ناتو در افغانستان باشند، حاضر نیست با دولت کرزای مذاکره کند؛ به همین دلیل ما خواهان این بودیم که امریکایی‌ها از افغانستان بروند. به طور طبیعی، خواهان امضای پیمان نظامی و استراتژیک امریکا با افغانستان هم بودیم. در جلساتی هم راجع به همین مسائل ما صحبت می‌کردیم، مواضع خودمان را می‌گفتیم، استدلال و بحث می‌کردیم. شب که میهمانی شام دوباره نماینده نروژ آمد و گفت شما در اینجا یک ده دقیقه با نماینده امریکا صحبت کنید خیلی نظرها بهم نزدیک می‌شود من باز رد کردم. وارد سالن شام که شده متوجه شدم اسم من را گذاشتند کنار آن نماینده امریکا؛ که من به دلیل اینکه گفتم سر میز می‌نشستم، نمی‌نشستم رفتم و جای دیگری نشستم. صبح فردا که روز آخر بود، من صبحانه می‌خوردم، اتفاقاً با آقای حکیمی که نماینده یعنی سفیر افغانستان در واشنگتن بود و از واشنگتن آمده بود، نماینده نروژ آمد و دوباره از من خواست که برویم یکجا باهم صحبتی بکنیم. رفتیم یکجا صحبت کردیم، اصرار زیاد که شما یک

